

اوستا، حماسه راستی و کشاورزی

مدخل:

افغانستان عمدتاً کشور کوهستانی است که ۱۲ درصد از خاک آن برای زراعت قابل بهره برداری است و از این ۱۲ درصد فقط ۶٪ آن قابل زراعت توسط آبیاری مصنوعی از رودخانه است و بقیه دشت هایی است که در بخشی از آنها صرف دیم کاری صورت میگیرد و امکان آبیاری مصنوعی در آنها میسر نیست.

اقلیم افغانستان مانند طبیعت آن ناهمگون است، گاهی از لهیب گرما در تب و تاب است و زمانی از نهیب سرما در رنج و عذاب. خشکی و برودت همراه با باد های سخت و طوفنده که از پیچاپیچ دره های بهم فشرده و کوهساران بلند، سینه پهن دشت های آفتاب سوخته را در می نوردد، حکایتگر آشفته گی طبیعت این سرزمین است. برخی از مناطق کشور مانند پامیر و قسمتی از بدخشان و نورستان که در سطح بلند تری قرار گرفته اند، زمستانی سرد دارد که بیش از هفت ماه بطول میکشد و درجه سردی و برودت در آنجا تا ۳۰ درجه زیر صفر میرسد. و در برخی مناطق مثل کابل و غزنی و کتواز و هزاره جات و غور و هرات هوای معتدل و چهار فصل مشخص دارد که مقدار بارندگی در آن سالانه تا چهار صد ملی متر میرسد. اما مناطق نشیب دار چون فراه و نیمروز و قندهار و ننگرهار و بلخ که مقدار بارندگی در آنها سالانه از ۲۰۰ ملی متر تجاوز نمیکند، دارای تابستان گرم با درجه حرارت ۵۰ درجه بالای صفر و زمستان گوارا با حرارت ۱۵ تا ۲۰ درجه بالای صفر می باشد.

بدینسان کشور ما، فلاتی است کوهستانی، کم آب با اقلیم صحرائی و نیز یکی از دهلیز های مهم فتوحات بسوی جنوب و غرب و شمال. همین مشخصات که از پامیر تا بین النهرین را احتوا میکند، نقش و اثرات دور و درازی بر تاریخ و جامعه ما گذاشته است. بر اثر خشکی و کم آبی، مسئله آبیاری و کشت و زراعت یکی از پرابلم های اقتصادی و اجتماعی کشور ما را تشکیل میدهد. ویر اثر کوهستانی بودن، ما شاهد جدائی گروه های قومی مختلف و بقایای زبانها و لهجه ها و آداب و رسوم و عنعنات متفاوت هستیم. کوه های سر بفلک کشیده، دره های تنگ، دشت های فراخ دامن و طوفان زای، هیچکدام تشویقی برای در هم آمیزی فرهنگ های مختلف نیست تا قوام ملی تسریع گردد. فقط سیطره یک سلطان قهار و خشن و ایثار اقوام مهاجم برای مدتی، این اقوام را با رشته های آهن و خون با هم میدوخت و اجزاء را با هم لحیم میکرد.

خلاصه به علل مختلف طبیعی و اجتماعی و سیاسی این کشور تا هنوز به عنوان یک کشور عقب مانده زراعتی شناخته میشود، مگر متأسفانه که در عرصه زراعت هم بنابر تسلط مناسبات غیر عادلانه فیودالی و ماقبل فیودالی تا هنوز افغانستان از لحاظ مواد غذایی در سطح خودکفائی نرسیده است. خشکسالی های متواتر در ده سال اخیر بسیاری از مردم را خاکستر نشین کرده و تلفات جبران ناپذیری بر اقتصاد روستائی مردم افغانستان وارد نموده است. بنا برین اگر برای بسیاری از کشورهای جهان مسئله بی بنام « آب » وجود ندارد و این ماده حیاتی مانند هوا و آفتاب فراوان و بیدریغ و رایگان است، در برخی دیگر از کشورها و منجمله کشور ما و سرزمین های مجاور آن، آب در حکم اساسی ترین ضرورت زندگی است و رفع کمبود آب و ایجاد شبکه های آبیاری مصنوعی از بزرگ ترین نتایج کار و تلاش انسان این سرزمین است. اما این شبکه های آبیاری بارها بر اثر یورش و تخریب اقوام مهاجم بر هم میخورده و مردم را به خاک سیاه می نشانده است.

در نظر اقوام مهاجم، ویران کردن شهرها و شبکه های آبیاری نوعی فتح و پیروزی بشمار می رفت. یکی از وحشیانه ترین هجوم ها بر سرزمین های افغانستان و ایران و کشورهای آسیای میانه، هجوم اقوام "ترکمن" (ترکان غز، سلجوقی) و سپس مغولان بسرکردگی چنگیز خان مغول در ۱۲۱۷ میلادی بود که علاوه بر کشتار بیرحمانه مردمان قلمرو مفتوحه، شهرها را نیز به آتش میکشیدند و شبکه های آبیاری را ویران مینمودند. بدبختانه که این روش در اخیر قرن بیستم نیز یکی از راه های پیروزی بردشمن به حساب میرفت، چنانکه در تجاوز شوروی بر افغانستان، تمام ویا اکثریت قریب به اتفاق شبکه های آبیاری عصری و عنعنوی در کشور تخریب شدند و مردم ما تا هنوز موفق به احیاء مجدد آن شبکه ها نشده اند و این امر یکی از علل روی آوردن مردم به کشت خشخاش است که به آب و زمین کمتری ضرورت دارد و عواید حاصلش نسبت به مواد غذایی بیشتر و سهل الوصول تر است. به هر حال برویم ببینیم که آب و آبیاری و کشاورزی نزد آریائیان عصر اوستا دارای چه ارج و اهمیتی بوده است؟

اوستا، چه میگوید:

اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان (باقیمانده از هزاره دوم قبل از میلاد)، در درجه اول از لحاظ تاریخ قدیم آریانا و در درجه دوم از جهت فرهنگ وسیع و ادبیات گیرای خود که شدیداً احساس وطن دوستی را در آدمی بیدار مینماید و در درجه سوم از لحاظ دین و مذهب قدیم مردمان آریانا و بالأخره در مرتبه چهارم از این جهت که مردم را به کشاورزی و اسکان در واحد های اقتصادی روستائی توصیه و ترغیب میکند، اهمیت فراوان دارد.

در عین حالیکه نقطه عطف تمام و یا اکثر سرودهای زرتشت، اندرز و ترغیب در راه راستی و مبارزه با دروغ و اهریمن و زشتی هاست، آباد کردن زمین، محبت ورزیدن نسبت به حیوانات و پرورش گله و گرم داشتن کانون خانواده، حادثترین آرزوی او نیز هست. گاتها و یشتها، حماسه های کشاورزی و راه گشای جلب رضائیت و عنایت اهورامزدائی هستند. طبیعی است که چنین آئینی با این فلسفه اجتماعی پرتحرک، هرگز نمیتوانست در دایره تنگ محدود بماند، بلکه قابلیت و اسعاده پیشرفت و توسعه را داشت و بزودی در افکار و اندیشه های مردمان آریان زمین نفوذ و رسوخ کرد و جاگزین معتقدات چندتائی پرستی نیروهای طبیعت گردید و در حقیقت انقلابی در طرز تفکر و اندیشه اجتماع و مردم عصر خویش پدید آورد.

به قول « جورج فوت مور » اوستا شناس امریکائی: « هیچ دینی از ادیان باستان، چنین اهمیتی را نسبت به زراعت و کشت و کار قایل نشده که توسعه آنرا در ردیف معتقدات مذهبی و اعمال حسنه دینی قرار داده باشد، مگر دیانت زرتشتی. » (۱)

به زمین عشق ورزیدن، و آنرا آباد کردن و برای کشت و برز بکار بستن، به نهرها و جویها، به بارانها و چشمه سارها، به چشم امید نگر بستن، به گله ها و رمه ها و پرورش آنها اهمیت و اعتبار بخشیدن، این همه چیزهای بود که در واقع زیر بنای جامعه آریائی را میساخت. و از همین جهت است که در « اوستا »، این همه از آب ها و رمه ها و مزارع گندم و درختان میوه و ستوران و چراگاهان خوب یاد شده و در همه جا به نیایش آمده اند. در این سرودها ی کهن هنوز بوی حیات و نشه زندگی می جوشد. در زیر به متن و محتوای این سرودها از روی اوستا می پردازیم. (۲)

« گله پروری را میستائیم، و مزارع گندم سودبخش را می ستائیم، رحم و مروت را که غم خوارگی بیچارگان است، می ستائیم، آب مزدا آفریده مقدس را می ستائیم، » (۳) « ما آبهای از چشمه جوشنده و باهم جمع شده و جاری را می ستائیم و از شما که مثل مادرید، و از شما شیر گاو که بر فقرا توجه می کنید، و در میان مشروبات، خوب ترین و بهترین هستید، ما استغاثه میکنیم. » (۴)

« به کوه ها که از بالای آنها آب جاری است، درود میفرستیم و به دریاچه ها و به استخرها درود میفرستیم. » (۵)

ما نیایش می کنیم اهورا مزدا را که ستور و راستی بیافرید، آبها و گیاه های خوب بیافرید، به آفریدگار درود میفرستیم. » (۶)

آریائیان عهد زرتشت، از تمامی عناصر اصلی مادی، آب را که آثار آشکارتری در زندگی و کشاورزی دارد، ارج می نهادند. برای آب ربه النوعی همپایه مهر و اهورا مزدا، قایل بودند. و برای او معابد عظیم و باشکوهی بر پا میکردند و این الهه را که بصورت زن بسیار زیبا مجسم شده است، ستایش میکردند. نام این ربه النوع «اردویسور اناهیتا» (ناهید) بود. اهورا مزدا گوید:

« سزاوار است که در عالم مادی اناهیتا را ستایش کنند. مقدسی که جان فزاست. مقدسی که فزاینده گیتی است. مقدسی که فزاینده ثروت است. مقدسی که فزاینده مملکت است... از برای من ای زرتشت اسپنتمان، این اناهیتا را بستای... من اهورا مزدا «ناهید» را از نیروی خویش پدید آوردم. تا خانه و قریه و ده و مملکت را بپرورانم، تا آنها را حمایت کنم، حفظ کنم، پاسبانی کنم... » (۷)

« ما به سرچشمه های آب درود می فرستیم و به گذر های آب درود میفرستیم. » (۸) اهورا مزدا، در پاسخ این پرسش زرتشت که کجا بیش از همه زمین شاد است؟ میگوید: « در آنجایی که بیشتر از همه گندم و گیاه و درختان میوه بکارند، در آنجایی که زمین خشک است، آب برسانند و در آنجایی که آبگیر است خشک کند. » (۹)

این مطلب میرساند که آریائیان عصر اوستا، به فن خشک ساختن باطلاحها و زراعت در آنها و فن آبرسانی به زمین های خشک، از جمله بوسیله کاریز آشنا بوده اند. بیم و هراس از بی آبی و خشک سالی از دیر باز در فلات آریانا مطرح بوده است و این انگیزه یی برای سرودن چکامه شیوائی چون « تیریششت » گردیده است. این معنی در کرده یازدهم، فقره ۴۱ و ۴۲ اینطور باز تاب شده است:

« تشر، ستاره شکوهند را می ستائیم که آبهای ایستاده و روان و چشمه ها و جویبار ها و باران [همه] شیفته اواند.] زرتشت از تشر فرشته نگهبان باران می پرسد: کی چشمه های آب دگر باره سترگ تر از نیروی اسپی روان خواهد گردید؟ کی چشمه ها به سوی کشتزارهای زیبا و دشت ها و پایگاه ها روی خواهند آورد؟ و ریشه گیاهان را از تری نیرومند خویش بهره مندخواهد ساخت » (تیریششت کرده ۱۱ فقره ۴۱ و ۴۲)

در جای دیگر مردم به مبارزه با دیو خشکسالی دعوت شده است:

« برای پایداری در برابر دیو خشکسالی و شکست دادن او و چیره شدن بر او و دشمنی او را بدو بازگردانیدن، آن دیو خشک سالی که مردم هرزه درای آورنده سال نیکش مینامند [باید آماده بود.] » (۱۰)

اهورا مزدا به زرتشت گوید: « ای زرتشت! از فروغ و فر آنان (مردان نیکوکار و توانا) است که در روی زمین روده‌های پر آب روانست و برای نگهداری ستوران و مردمان و جانوران پنجگانه و مردان پاک سرزمین های ایرانی بر پهنه آن گیاه های گوناگون میروید . » (۱۱)

« ای اسپنتمان زرتشت! هنگامی که آنها با « فر » مزدا آفریده از دریای « فراخکرت » (فراخ کرانه = دریاچه هامون) سرازیر شود، « فروهر » های توانای پارسایان به پا خیزند، چندین چندین صدها ، چندین چندین هزارها ، چندین چندین ده هزارها... تا هریک برای خانواده و شهر و سرزمین خود در پی بدست آوردن آب برآید و چنین گوید: آیا باید سرزمین ما (از بی آبی) ویران گردد و خشک شود؟ « فروهرها در پهنه رزم برای خانه و سرزمین خود می جنگد ... هریک از فروهرها که کامیاب گردد ، آب را به خانه و ده و شهر و سرزمین خود میرساند و میگوید: سرزمین ما باید خرم و سر سبز گردد و [گیاهانش] بروید . » (۱۲)

کارگر زمین ، برترین آفریده :

در روزگار اوستا ، مرد وزن روستائی برترین ارجها را دارند، چراکه سینه زمین را می شکافند ، گله هارا به چرا می برند ، درخت میکارند، شیر گاو ها و گوسپندان را میدوشند، آنها رادر جویها انداخته به کشتزار ها میبرند و آنچه را که با رنج و کوشش خود به دست می آورند ، قدر می نهند و می ستایند . (۱۳)

« خوشا به شما کشورها که آب جوی های شما بدون مانعی بسوی محصول و چراگاه ها و جهان مادی روان گردد. » (تیریشت) و آریائی پاک منش میستاید پدید آورنده روستا ها و نعمات زندگی را : « فر نیرومند مزدا آفریده بدست نیامدنی را می ستایم . آن فر ستوده زبردست ، پرهیزگار کارگر چست را می ستایم . » (۱۴)

« ای مزدا اهورا ! آنگاه که به چارپایان آزادانه راه دادی تا به کشاورز گرایند یا به چادر نشینان پیوندند . پس چار پایان ، از آن میان کشاورز گله پرور ، آن پاسبان منش نیک را خدایگان خویش دانستند . » (۱۵)

چادر نشین بیابان گرد [که به کشاورزی نپردازد] هرچند بکوشد ، از پیام نیک اهورا مزدا ، بهره نیابد. (گاتها، یسنا ، هات ۳۱ ، فقره ۱۰) [در یسنا ، هات ۳۲] بازم به کشاورز در ردیف آزادگان ارج گذاشته شده است . آنچه در اوستا آمده ، محتوای زندگی و آرزوی انسان فلات در دیر ترین روزگار این سرزمین است . (۱۶)

برای اینکه در یابیم انسان این نجد در آن روزگار ، تا چه اندازه به خاک بارور ارج می نهاده و کشت و برز را امری بنیادی در زندگی خود میدانسته ، چند فقره از وندیداد در اینجا آورده می شود :

« ای آفریدگار پاک جهان مادی ! در کجا زمین بیش از همه شاد است ؟ آنگاه گفت : اهورا مزدا به راستی ای اسپنتمان زرتشت ! در آنجائی که مرد پاک دینی خانه برپا کند و آن خانه از آتش و شیر و زن و فرزند و گله برخوردار باشد و گاو و راستی و علوفه و سگ و آنچه از برای زندگی مفید باشد ، در آنجا فراوان باشد . » (۱۷)

این پاسخ نمودار اساسی ترین ضرویات یک روستا یا یک واحد اقتصادی در آن زمان است . دیگر بار می پرسد زرتشت و اهورامزدا پاسخ میدهد : « در آنجائی زمین شاد است که گله و رمه ، خرد و بزرگ پرورنده شود. و در آنجایی که گله و رمه فراوان باشد. » همچنین اهورامزدا گوید : ای اسپنتمان زرتشت ! زمین ناشاد است اگر مدت زمانی شیار نشده بماند. اگر مردی در روی این زمین با دست چپ و دست راست خود کشت و کار کند ، این زمین به او چنین گوید : ای مرد که در روی من با دست راست و دست چپ کار کردی ، همواره من بارور خواهم بود ، همیشه بهره بخش خواهم ماند . گذشته از خرم خوب ، همه گونه روزی از من بگیری. » (۱۸)

و برای کسی که بر روی زمین کار نمی کند ، زمین میگوید : تو ای کسی که با دست راست بر روی من کار نکردی ، تو باید در آینده پشت دروازه دیگران بپا ایستی و روزی خود را از آنان گدائی کنی ، آری پس مانده و ریزه هایی که از دهان دیگران افتاده نصیب تو خواهد شد و از خوان کسانی که به فراوانی و آسایش و خوشی اندر اند ، چنین چیزی بتو خواهد رسید . (۱۹)

در برابر این پرسش زرتشت که دین مزدیسنا از چیست ؟ اهورا مزدا پاسخ میدهد : « ای اسپنتمان زرتشت ! دین مزد یسنا وقتی تغذیه و قوت یابد که مردم با غیرت و کوشش گندم بکارند، کسی گندم میگرد به این میماند که راستی می افشاند و دین مزد یسنا را از پیش می برد . » (۲۰)

در باره نیرو بخشی حبوب جو ، در یسنا چنین میخوانیم : « چون جو آفریده شد ، دیوان سراسیمه شدند ، و چون روئید دیوان دل خود را باختند و چون گل آن سرزد، دیوان پا بگریز نهادند . بنابراین مردم را وادار که این را در اندیشه بسپارند ، کسی که نخورد ، نیرو ندارد تا کار های سنگین زندگی پارسائی را انجام دهد ، نیرو ندارد که

کارهای کشاورزی را از پیش ببرد. نیرو ندارد که دارنده فرزندان شود. هر جان داری در جهان به خوردن زنده ماند و چون غذا نخورد، دیر نکشد که بمیرد. « (۲۱) گله داری :

گله پروری در کنار کشاورزی، رکن دیگر حیات روستائی است و در موارد زیادی به آن ارج نهاده شده: « گله پروری و مزرعه گندم سود بخش را، مهردارنده دشت های فراخ ورام، چراگاه خوب بخشنده را و آب مزدا آفریده را می ستائیم. گله پروری را می ستائیم. « (هفتن پشت کوچک) ۱ نظر به پاداش روز جزا برای بهترین کار های ما، فرمان روایان و فربرداران را بر آن تشویق می کنیم که گله و رمه، آسایش و علوفه روا دارند و ما میخواهیم اهورا مزدا را که ستور و راستی بیافرید، روشنائی و همه چیزهای خوب بیافرید. « (۲۲) « گله های خوب پرورده را ستایش می کنیم. خرمن سود بخش را ستایش می کنیم. « (۲۳) « نیرو از برای ستور، درود از برای ستور، گفتار نرم از برای ستور، پیروزی از برای ستور، پوشاک از برای ستور، کشت و ورز از برای ستور. « (۲۴) و در مهریشت میخوانیم :

« درانجایی که ستوران آرام دارند و پناگاه سالم ستوران است، مهتروانا نگران است. « (۲۵) در فقره ۱۰ دین یشت از هوش و بینائی اسپ توصیف شده است: « علم مزدا آفریده مقدس، قوت در پاها، شنوایی در گوشها، و قوت در بازوان و صحت در سراسر تن بخشد، آنچنان قوه بینائی که اسپ داراست که در شب تیره اگرچه باران و ژاله و تگرگ بیفتد، یک موی اسپ را که در روی زمین افتاده باشد، تواند شناخت، از اینکه آن از یال یا از دم [اسپ] است. « (۲۶)

این فقرات ارزش نظامی اسپ را یاد آور میشود و توجه به این حیوان را که باید در میدان های نبرد و هنگام شکار و طی مسافت دور، سوار خود را به سلامت برگرداند، با نگهداری در جای سالم و تغذیه خوب و خوش رفتاری تاکید میکند و تعلیم میدهد و همچنین خواستار است که برای چراندن دامها هیچ مرز و مانعی وجود نداشته باشد. در یسنا، هات ۱۲، در این باره میگوید: « من روا میدارم آزادی رفت و آمد را، آزادی منزل برای کسانی که در روی زمین با چار پایان بسر می برند. چونکه در زمین فراخ اهورا آفریده، بلندو پهن و کوه ها و چراگاه های بسیار و آب فراوان بر آن است. « (۲۷)

گاو بزرگترین موهبت اهورامزدا، برای ارزش سود رسانی اش به انسان مورد قدر دانی قرار گرفته: « نیروی ما از گاو است. قوت دل ما از گاو است، تفاخر ما منوط به گاوست، چیرگی ما مرهون گاو است، خوراک ما از گاو است. پوشاک ما از گاو است. شیار ما که بر اثر آن غذا از زمین بیرون می آید، بوسیله گاو انجام گیرد. « (۲۸) و بالاخره در یشتها، تمامی جانوران که آدمی از آنها بهره میجوید، هریک جدا از دیگری ستوده میشود: « روان های چار پایان اهلی را می ستائیم. [روانهای] جانوران آبی را می ستائیم. [روانهای] پرندگان را می ستائیم، [روانهای] جانوران بیابان گرد را می ستائیم. فروهر های این جانوران را می ستائیم. « (۲۹)

دین زرتشت، در زمانش یک عامل ترقی بشمار میرفت، زیرا که مردم را به اسکان و روستا نشینی و شهر نشینی و محبت به حیوانات اهلی و گوسفند و گاو و سگ و احترام به آب و درخت و زراعت دعوت میکرد. احترام به سگ بخاطر پاسبانی از گله، احترام به گاو بخاطر بسر آوردن کشاورزی و گرفتن شیر و محصول لبنیات او، صرفاً برای بهبود زندگی مادی انسان است. در آئین زرتشت نه فقط انسان به مبارزه با دروغ گویان، بزه کاران، زیانکاران دعوت شده است، بلکه تاکید شده تا با تمامی جانوران مودی، نظیر مار، گژدم، مگس، مورچه، موش نیز مبارزه شود. این جانوران زیانکار بدین جهت از مطاهر اهریمن معرفی شده اند که در معرض نفرت قرار گرفته و از میان برده شوند.

پایان

مآخذ و یادداشتها:

- ۱ - ایران از نظر خاور شناسان، ترجمه و تحشیه رضازاده شفق، ص ۱۳۱
- ۲ - دکتر حسین لسان، «درسی بزرگ از فردوسی» مجله یغما، شماره نهم، سال هفدهم
- ۳ - هفتن پشت کوچک، بند ۷، ۸، ۹
- ۴ - هفتن پشت بزرگ، کرده ۴
- ۵ - هفتن پشت بزرگ، کرده ۸، بند ۲
- ۶ - هفتن پشت بزرگ، کرده ۳، بند ۱

تعداد صفحات: ۴ از ۵

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

- ۷ - آبان يشت ، کرده ۱ - ۳
 ۸ - هفتن يشت بزرگ ، کرده ۸
 ۹ - ونديداد، فرگردسوم ، فقره ۴ ، يشتها ، ج ۲ ص ۳۰۵
 ۱۰ - تير يشت ، فقره ۵۱
 ۱۱ - فروردين يشت ، کرده يکم ، فقره ۱۰
 ۱۲ - فروردين يشت ، بندهای ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸
 ۱۳ - رضا انصافپور ، تاريخ زندگي روستائيان و طبقات اجتماعي ايران از دوران قبل التاريخ تا پايان عهد ساساني ، طبع تهران ، ۲۵۳۵ شاهنشاهي ، ص ۱۳۴
 ۱۴ - زامیاد يشت ، بند: ۹، ۱۴، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۳۰
 ۱۵ - گاتاها ، هات ۳۱ ، فقرات : ۹-۱۰
 ۱۶ - اومستد، تاريخ شاهنشاهي هخامنشي ، ترجمه دکتري مقدم ، چاپ تهران ، ۱۳۴۲، ص ۳۱۰
 ۱۷ - ونديداد، فرگرد سوم ، فقرات ۲ - ۳
 ۱۸ - هماغا ، فقرات ۲۶ - ۲۷ - ۱۹ - همانجا ، فقرات ۲۸-۲۹
 ۲۰ - همانجا ، فقرات ۳۰ - ۳۱ - ۲۱ - پسنا، هات ۲۹ - ۳۱
 ۲۲ - هفتن يشت بزرگ ، کرده ۱ - ۳
 ۲۳ - خرده اوستا ، سي روزه بزرگ ، بند ۷
 ۲۴ - بهرام يشت ، کرده ۲۰ ۲۵ - مهر يشت ، کرده ۴
 ۲۶ - اين ابیات فردوسي در توصيف رخس رستم بسيار شبیه به فقره ۱۰ دين يشت است :

بروز از خور افزون بد و شب زماه
 شب تيره دیدی دو فرسنگ راه

چه بر آب بودی چه بر خشک راه
 پی مورچه بر پلاس سیا ه

- ۲۷ - دين يشت ، فقره ۹
 ۲۸ - بهمن يشت ، باب ۲۲ ، فقره ۶۱
 ۲۹ - فروردين يشت ، کرده ۳۲ ، فقره ۷۴